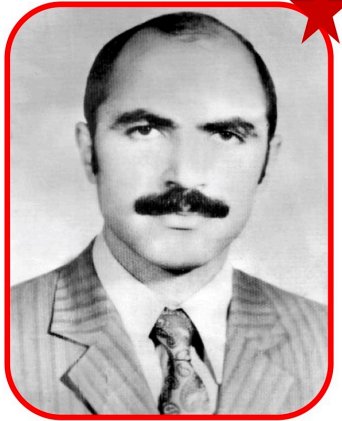


در باره زندگی رفیق حسن جان

لنگوری



درباره زندگی چریک فدایی خلق، رفیق شهید حسن جان لنگوری

چریک فدایی خلق رفیق حسن جان لنگوری در سال ۱۳۲۲ در شهر بابل چشم به جهان گشود. پدر او مغازه بقالی کوچکی داشت که از این طریق معیشت خانواده را تامین می‌کرد و از این رو خانواده همواره تحت فشار تامین هزینه‌های زندگی قرار داشت. با توجه به درآمد اندک و فقر خانواده، رفیق حسن جان لنگوری از همان دوران کودکی هم به پدرش در کارهای مغازه کمک می‌کرد و هم در تابستان‌ها برای کمک به درآمد خانواده به کاری مشغول می‌شد. به این طریق رفیق لنگوری دوران دبیرستان را در شهر زادگاهش بابل به پایان رساند و با اخذ قبولی در کنکور، وارد دانشگاه تهران شد. در دانشگاه وی از همان ابتدا به دانشجویان فعال سیاسی پیوست و ضمن مطالعات مارکسیستی و کوشش در ارتقای آگاهی سیاسی خود، در فعالیتهای دانشجویی و تظاهرات دانشجویان مترقی علیه اختناق موجود شرکت می‌نمود.

با پایان دوران دانشگاه رفیق حسن جان لنگوری برای دوران سربازی به بلوچستان فرستاده شد. این مساله باعث شد که رفیق به عینه شاهد فقر و فلاکت مردم بلوچ و تبعیض علیه این مردم آزاده گردد. مشاهده زندگی فلاکت‌بار توده‌های زحمتکش بلوچ و ظلم و ستمی که از طرف مرتجعین محل و دستگاه رژیم شاه بر آنان می‌رفت، عزم او را برای مبارزه علیه ظلم و ستم هرچه بیشتر فزونی بخشید. بعد از پایان دوران سربازی، او در وزارت آموزش و پرورش در گنبد به عنوان معلم استخدام شد. در ارتباط با کار معلمی، وی خیلی زود متوجه بیهوده و غیر مفید بودن روش‌های تعلیم و تربیت و موضوعات و مطالبی که در مدرسه‌های ایران به دانش‌آموزان درس داده می‌شد، گردید. به همین دلیل هم در هر فرصتی تا آنجا که امکان داشت کتابهای مفید و آموزنده‌ای را به دانش‌آموزان معرفی می‌کرد و در این جهت آنها را راهنمایی می‌کرد. صحبت‌های وی درباره جامعه منحط طبقاتی و افشاگری‌هایش درباره ظلم و ستم نهادینه شده در این جامعه در بین دانش‌آموزان و دوستانش، چندین بار باعث تهدیدها و اخطارهای ساواک گردید. اما رفیق به این تهدیدها وقعی نمی‌گذاشت و تا می‌توانست علیه فرهنگ ارتجاعی‌ای که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در مدارس اشاعه می‌داد مبارزه می‌کرد. در این پروسه، برخورد آگاهانه وی برای رشد و پرورش دانش‌آموزانش و چگونگی برخوردش با مسائل فرهنگی باعث شد که وی شدیداً مورد علاقه خاص دانش‌آموزان و اطرافیانش واقع شده و به یکی از معلمین محبوب شهرش بدل گردد.

در چنین اوضاع و احوالی بود که رستاخیز سیاهکل در بهمن ۱۳۴۹ رخ داد و چشم‌انداز وسیع سیاسی جدیدی را مقابل آنهایی که قلبشان با قلب تودها و درها و رنج‌های آنها می‌تپید، قرار داد. بنابراین رفیق لنگوری با تأیید ضرورت مبارزه مسلحانه به تلاش جهت پیوستن به چریک‌های فدایی خلق مبادرت کرد. با توجه به این که پس از آغاز جنبش مسلحانه، شهر بابل از جمله شهرهایی بود که جوانان مبارزی را در دل خود پرورانده و جو سیاسی محسوسی در این شهر وجود داشت، رفیق لنگوری هر زمان که برای دیدار خانواده به بابل سفر می‌کرد اعلامیه‌هایی که به دستش رسیده بود را با خود به زادگاهش می‌برد و در اختیار دوستانش از جمله رفیق عباس کابلی که تعدادی از جوانان مبارز بابل دور او جمع بودند، می‌گذاشت. به این نحو، وی به هرچه فعال‌تر و جدی‌تر شدن روابط سیاسی حول خود کمک می‌نمود.

در آن زمان هر گروه و محفل مبارزاتی و واقعا دل‌سوز تودها با اندیشه‌های کمونیستی با درک ضرورت ایجاد یک تشکیلات قوی کمونیستی در جنبش، خواهان در اختیار گذاشتن نیروی خود در اختیار چریک‌های فدایی خلق بود. محفل این رفقا نیز برای ایجاد ارتباط با چریک‌های فدایی خلق تلاش می‌نمود. تا این که در اواخر سال ۱۳۵۱ محفل آنها امکان ارتباط با چریک‌های فدایی خلق را یافتند و رفقای آن محفل و از جمله رفیق حسن جان لنگوری با گرفتن سلاح بر دست، مبارزه خود را به عنوان چریک فدایی خلق در راه رهایی طبقه کارگر و ستم‌دیدگان جامعه تداوم بخشیدند.

رفیق لنگوری در طی فعالیت‌هایش در درون تشکل چریک‌های فدایی خلق، سرانجام در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۵۲ در خیابان جاده قدیم شمیران نزدیک سینما مولن روژ در سه راه تخت جمشید مورد شناسایی گشت پلیس امنیتی رژیم شاه قرار گرفت و ماموران ساواک که دستشان تا آرنج به خون بهترین فرزندان خلق آلوده است در ساعت ۷ بعدازظهر همان روز وی را از پشت، مورد حمله غافلگیرانه خود قرار داده و او را به رگبار مسلسل بستند. به این ترتیب تودهای تحت ستم ایران یکی از پر شورترین رهروان خود و چریک‌های فدایی خلق یکی از ثابت‌قدمترین یاران‌شان را از دست دادند.

در اعلامیه‌ای که سازمان چریک‌های فدایی خلق در همان زمان درباره رفیق صادر کرد آمده است که "زندگی انقلابی رفیق حسن جان لنگوری سرشار از شور و صداقت انقلابی بود. رفیق در سال ۵۲ به زندگی حرفه‌ای روی آورد و در این دوران از هیچ کوششی جهت پیش‌برد جنبش دریغ نورزید و همواره با تعهد و پشتکار تمام وظایف سازمانی‌اش را به بهترین وجه انجام می‌داد. رفیق در بخش تدارکات نظامی سازمان فعالیت چشم‌گیری داشت".

یاد رفیق حسن جان لنگوری گرامی و راهش پر رهرو باد!